

انفجار نور، زمينه ساز ظهور

پور سيد آقايا

**انقلاب ما** «انفجاری عظیم»<sup>۱</sup>، «اعجاز بزرگ قرن»<sup>۲</sup>، «مائده بزرگ آسمانی»<sup>۳</sup>، «نصرت اعجاز آمیز اسلام بر کفر»<sup>۴</sup>، «تحفه خدای تبارک و تعالی از عالم بالا»<sup>۵</sup> و «جرقه و بارقه الهی»<sup>۶</sup> است.

**انقلاب ما** «اسلامی»<sup>۷</sup>، «شکوه مند»<sup>۸</sup>، «بزرگ»<sup>۹</sup>، «بی نظیر»<sup>۱۰</sup>، «نمونه»<sup>۱۱</sup>، «منحصر به فرد»<sup>۱۲</sup>، «متکی به معنویات و خدا»<sup>۱۳</sup>، «بدون اتکا به شرق و غرب»<sup>۱۴</sup>، «الگویی برای ملت-های دربند»<sup>۱۵</sup> و «در اوج قله عزت و شرافت، مشعلدار هدایت نسل های تشنه»<sup>۱۶</sup> است.

**انقلاب ما** «انقلاب زاغه نشینان و حاشیه نشینان و محرومان»<sup>۱۷</sup>، «جوشنده از متن ملت»<sup>۱۸</sup>، «برخاسته از فطرت مردم»<sup>۱۹</sup>، «بهترین و بزرگ ترین انقلاب ها»<sup>۲۰</sup>، «با کم ترین ضایعه و بزرگ ترین دستاورد»<sup>۲۱</sup> و «ضربه ای بر پیکر جهان خواران بین المللی»<sup>۲۲</sup> است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۲.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۷۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۷۷.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

۵. همان، ج ۶، ص ۲۳۰.

۶. همان، ج ۱۵، ص ۶۲.

۷. همان، ج ۱۱، ص ۵۲۱.

۸. همان، ج ۱۶، ص ۵۵.

۹. همان، ج ۱۱، ص ۲۲۳.

۱۰. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۵.

۱۱. همان، ج ۱۰، ص ۴۲۲.

۱۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۹.

۱۳. همان، ج ۱۵، ص ۳۰۷.

۱۴. همان، ج ۱۹، ص ۵۴.

۱۵. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۰.

۱۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۱۷. همان، ج ۱۷، ص ۴۲۵.

۱۸. همان، ج ۴، ص ۲۵۷.

۱۹. همان، ج ۵، ص ۸۱.

۲۰. همان، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

۲۲. همان، ج ۹، ص ۲۳۹.

**انقلاب ما** «معجزه بزرگ و مصداقی از نصرت الهی»<sup>۱</sup>، «استثنایی»<sup>۲</sup>، «مترقی‌ترین»<sup>۳</sup>، «شکستنده حریم دروغین قدرت‌ها و قلدرها»<sup>۴</sup>، «عامل خود باروی»<sup>۵</sup>، «و شخصیت و عزت ملت ایران»<sup>۶</sup>، «منشاء تحول عظیم در دنیا»<sup>۷</sup> و «زنده کننده دنیای اسلام»<sup>۸</sup> است.

**انقلاب ما** «چشم امید میلیون‌ها مسلمان و غیرمسلمان»<sup>۹</sup>، «آغازگر حاکمیت ارزش‌های معنوی»<sup>۱۰</sup>، «باعث افتخار مسلمانان»<sup>۱۱</sup>، «با خدمات غیر قابل احصاء»<sup>۱۲</sup> و «عامل هویت ما»<sup>۱۳</sup> است.

**انقلاب ما** «متکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی»<sup>۱۴</sup>، «توجه دهنده دل‌های مردم به خدا»<sup>۱۵</sup>، «محصول قرن‌ها تلاش مخلصانه علمای شیعی و حضورشان در صحنه‌های حساس»<sup>۱۶</sup> و «دستاورد خون شهیدان»<sup>۱۷</sup> است.

**انقلاب ما**، بارش رحمت خاصه الهی در فصل عطشناک تاریخ و فروغ خورشید مهدوی در عصر انجماد و فسردن است.

**انقلاب ما**، طلایه‌دار عصری است که به نام خدا شکل گرفته است و بنیاد همه مکتب‌ها و ایسم‌های غیر الهی را، از اومانیسیم گرفته تا سکولاریسم و لیبرالیسم، درهم ریخته است.

**انقلاب ما**، همه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان را به چالش کشیده است و آغازگر گفتمانی جدید در عرصه فرهنگ و سیاست است.

۱. فرمایشات مقام معظم رهبری، ۸۲/۸/۲۸.

۲. همان، ۶۸/۱۱/۲۰.

۳. همان، ۶۸/۱۱/۱۲.

۴. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۵. همان، ۸۲/۱۱/۲۴.

۶. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۷. همان، ۶۸/۱۱/۱۹.

۸. همان، ۸۲/۱۱/۲۴.

۹. همان، ۶۸/۱۱/۱۲.

۱۰. همان، ۶۹/۱۱/۱۷.

۱۱. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۱۲. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۱۳. همان، ۸۲/۵/۲۷.

۱۴. همان، ۸۲/۷/۲۲.

۱۵. همان، ۸۲/۹/۵.

۱۶. همان، ۸۲/۹/۲۵.

۱۷. همان، ۶۹/۱۱/۱۸.

**انقلاب ما**، زنگ بیدارباشی است برای تحول بزرگی که جهان، قرن‌ها در انتظار تحقق آن است؛ تحول بزرگی که به حاکمیت کفر و استکبار پایان می‌دهد و بساط ظلم و بی‌عدالتی را از پهنه گیتی برمی‌چیند.

**انقلاب ما** با تکیه بر عنصر رهبری، نایب امام زمان (عج)، در میان نظام‌های شسرق و غرب، جبهه دیگری را گشوده و راه سوم و الگوی جدیدی را فراروی انسان معاصر نهاده است. **انقلاب ما** به گفته معمار کبیر انقلاب، امام راحل و برخی شنیده‌های موثق، از الطاف امام عصر (عج) است:

«این من نبودم که به واسطه من پیروزی را به دست آوردید. خدای تبارک و تعالی در سایه امام زمان (سلام الله علیه) ما را پیروز کرد... چه شد که پس از مدت کمی این تحول پیدا شد؟ سابق همه چیز ما را می‌بردند و ما نفس نمی‌کشیدیم. سابق جوان‌های ما را در زندان زجر می‌دادند و اعدام می‌کردند و ما قدرت حرکت نداشتیم. سابق چپاولگران همه چیز ما را چپاول می‌کردند و ما نفس نمی‌کشیدیم. چه شد که این ملت همچو متحول شد؟ جز عنایت خدا چه بود؟! ... این دست غیبی بود که این تحول را پیش آورد.»<sup>۱</sup>

«این حقیقتی است که باید اعتراف کرد قلعه محکمی بود که احتمال فتح آن نمی‌شد. ملت با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح در مملکت، بر ابر قدرت‌ها و ابر قدرت شیطانی که تا دندان مسلح بودند غلبه کرد. ولكن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کردم. این خدای تبارک و تعالی بوده... یک کشور سی و چند میلیونی با این اختلاف گروه‌ها، با اختلاف امال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور، آن‌ها همه مجتمع شدند و همه با هم دست به دست هم دادند و یک مطلب را خواستند؛ این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است. خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان سلام الله علیه [این تحول را در زندگی مردم پدید آورد].»<sup>۲</sup>

□

مرحوم حجت‌الاسلام سید محمد کوثری (ره) نقل می‌نماید: یک روز من در منزل آقای آیت‌الله فاضل لنکرانی، از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضلاء مشهد آن‌جا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این چه فرمایش‌هایی

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۹.  
 ۲. همان، ج ۷، صص ۵۴ و ۵۵.

است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ یک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند. سختم را تکرار کردم. امام برآشفتنند و فرمودند: فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیة الله صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرماید؟! شاه باید برود. و همان هم شد و شاه از مملکت بیرون رفت. می‌بینم که ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیة الله (عج) داشتند.<sup>۱</sup>

□

۲۲ بهمن ۵۷ یوم الله بود. واقعا ما در معرض کشته شدن بودیم. فقط ندای ولی عصر (عج) به داد ما رسید. فردی که الان زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی. (خدمت امام امت) گفت: حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: در خانه نمانید. اگر ماندید، کشته می‌شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمانید. آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می‌کنند. این‌ها عصبانی هستند، آخر کارشان است. امام فرمود: باید بیرون بریزند. ایشان (آقای طالقانی) خیلی اصرار کرد. امام فرمود: اگر پیام از جای دیگری باشد، باز [بر] سر حرف خود ایستاده‌اید؟ (آقای طالقانی) گفت: چشم، تسلیم هستیم. لذا ۲۲ بهمن یوم الله است.<sup>۲</sup>

انقلاب ما، هم‌چنان که از الطاف امام عصر (عج) است، به شهادت دستاوردهای عظیم آن و این که آفتاب آمد دلیل آفتاب، زمینه‌ساز حکومت آن حضرت و متصل به قیام او نیز خواهد بود. ان شاء الله. علاوه بر آنچه که ما خود شاهد آیم، برخی از روایات و سخنان امام راحل و مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان نیز، گواه این حقیقت روشن است:

□

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

۱. یا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۷۱.

۲. درس تفسیر قرآن، آیت الله خزعلی، مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳.

۳. آقای مرتضایی فرد نقل می‌کند: «روز ۲۲ بهمن که امام آن دادند مردم در خیابان‌ها بریزند، چون ما حکومت نظامی نداریم، این جریان را به مرحوم آیت الله طالقانی اطلاع دادند. در آن‌جا من در خدمت ایشان بودم. آیت الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت نیم تا یک ساعت با امام صحبت کرد. برادران بیرون از اتاق بودند، فقط می‌دیدند که آیت الله طالقانی مرتب به امام عرض می‌کند: آقا، شما ایران نبودید، این نظام پلید است، به صغیر و کبیر ما رحم نمی‌کنند، شما حکمتان را پس بگیرید. برادران یک وقت متوجه شدند که آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشته و به حالت تأثر در گوشه اتاق نشست. بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند و با این تصور که احتمالاً امام به ایشان تندی کرده‌اند، گفتند: آقا، چرا شما دخالت می‌کنید؟ و از این قبیل حرف‌ها و با اصرار از آیت الله طالقانی جریان را سؤال کردند. ایشان گفتند: هر چه به امام عرض کردم حرف مرا رد کردند و وقتی دیدند من قانع نمی‌شوم فرمودند: آقای طالقانی، شاید این حکم از طرف امام زمان (عج) باشد. این را که از امام شنیدم دست من لرزید و با امام خداحافظی کردم. زیرا دیگر قادر نبودم سخنی بگویم.» برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۱۵۸.

«يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»<sup>۱</sup>

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای حرکت جهانی مهدی [عج] فراهم می سازند.

امام باقر (ع) می فرماید:

كَانِي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ  
فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى  
يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ  
لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.<sup>۲</sup>

گویا می بینم مردمی در شرق قیام کرده، حق را طلب می کنند، ولی به آنان نمی دهند. دوباره حق را می طلبند، به آنان داده نمی شود. وقتی اوضاع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانه ها می گذارند، پس آن گاه حاضر می شوند که حق آنان را بدهند، اما آنان دیگر قبول نمی کنند تا این که قیام می کنند و [حکومت تشکیل می دهند و] آن [حکومت] را جز به صاحب شما [امام زمان (عج)] تحویل نمی دهند. کشته های آنها شهید به شمار می روند. آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر نگاه می دارم.

امام صادق (ع) نیز می فرماید:

سَتَخْلُو كُوفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا. ثُمَّ  
يُظْهِرُ الْعِلْمُ بَيِّنَةً يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي  
الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ  
قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ  
بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ، فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ  
وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ  
الدِّينَ وَالْعِلْمَ، ثُمَّ يُظْهِرُ الْقَائِمَ (عج).<sup>۳</sup>

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می شود، و علم از آن می گریزد و پنهان می شود.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۸، ب ۳۳، ح ۴۰۸۸، کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴.

۲. کتاب الغيبة، ص ۱۴۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۴۳، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

آن گونه که مار در سوراخش پنهان می‌گردد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر می‌گردد و شهر قم کانون علم و فضل می‌شود، و چنان دنیا را به حقایق آشنا می‌سازد که در روی زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان در پرده، و چنین زمانی نزدیک ظهور قائم آل محمد (ص) است. سپس خداوند قم و اهل آن را قائم مقام حجت خدا قرار می‌دهد، که اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو می‌برد و حجتی باقی نمی‌ماند. آن گاه علم (علوم اسلامی) از قم به تمام دنیا می‌رسد و مشرق و مغرب عالم را فرا می‌گیرد و حجت خدا بر خلق تمام می‌گردد، زیرا در تمام روی کره زمین کسی باقی نمی‌ماند که دین و علم به او ابلاغ نشده باشد. آن گاه امام زمان (ع) ظاهر می‌شود.

□

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»<sup>۱</sup>

«امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیةالله (ارواحنا له الفداء) باشد.»<sup>۲</sup>

۱۱ «آن شاءالله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم... و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر (ارواحنا له الفداء).»<sup>۳</sup>

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیةالله (ارواحنا لمقدمه الفداء) منتهی شود.»<sup>۴</sup>

«دست عنایت خدای تبارک و تعالی بر سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علایم ظهور بقیةالله (ارواحنا فداه) است.»<sup>۵</sup>

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر (عج) است.»<sup>۶</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷، تاریخ ۶۸/۱/۲

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۴. همان، ص ۶۲.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۲۰.

۶. همان، ص ۱۲۲.

«ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران، خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان (ارواحنا فداه) هموار می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

«همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.»<sup>۲</sup>

«با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان (سلام الله علیه) این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید.»<sup>۳</sup>

«خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی [جمهوری اسلامی] را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود (ارواحنا لمقدمه الفداء) رد کنیم.»<sup>۴</sup>

«ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال مجرومان و حکومت مستضعفان.»<sup>۵</sup>

«سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند.»<sup>۶</sup>

«من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم.»<sup>۷</sup>

«بار الها! ... عاجزانه از مقام مقدس تو می‌خواهیم... ملت عزیز ایران را در پیشبرد

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۳۳۰، تاریخ ۶۰/۲/۱۰.

۴. همان، ج ۱۸، ص ۴۷۲، تاریخ ۶۳/۳/۷.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۴۸۰، تاریخ ۶۲/۳/۱۵.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۵، تاریخ ۶۸/۱/۲.

۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۰، تاریخ ۶۰/۹/۳.



جمهوری اسلامی و سرکوب منحرفان و مخالفان با اسلام و پیروان آن مصمم‌تر فرمایی، تا این انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی موعود (ارواحنا فداه) ادامه دهند.»<sup>۱</sup>

روز نوزدهم بهمن ۵۷، انبوهی از بچه‌های نیروی هوایی با هماهنگی قبلی در خیابان ایران جمع شدند و لباس‌های نظامی خود را که درون ساک‌هایشان بود، به مدرسه رفاه بردند و آنها را پوشیدند تا با لباس فرم نظامی به دیدار امام برسند. در این هنگام شخصی خودش را به من معرفی کرد و اصرار کرد که از مراسم عکس بگیرد. ما هم موافقت کردیم مشروط بر آن که از پشت سر نیروها عکس بگیرد. پس از آمادگی افراد، امام از پنجره مدرسه ظاهر شد و عده‌ای اشک می‌ریختند، عده‌ای صلوات فرستادند که ناگهان برادر نورشاهی، فرمان از جلو نظام و خبردار داد که همه یک‌صدا فریاد زدند:

ما همه سرباز توایم خمینی      گوش به فرمان توایم خمینی

عکس تاریخی هم در همان لحظه گرفته شد که همان روز در روزنامه کیهان چاپ شد و رژیم را به دست‌پاچگی واداشت.

امام در آن روز فرمود: «درود بر شما سربازان امام عصر (سلام‌الله‌علیه) ... از امروز در خدمت امام عصر (عجل‌الله‌فرجه) و در خدمت قرآن کریم هستید...»<sup>۲</sup>

□

«ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.»<sup>۳</sup>

«اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد مهدی موعود (ارواحنا فداه و عجل‌الله‌فرجه) به وسیله ملت ایران برداشته شده است.»<sup>۴</sup>

«انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان (عج) برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [ است ]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم یقیناً ظهور ولی عصر (صلوات‌الله‌علیه و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی

۱. همان، ج ۱۷، ص ۴۸۴.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۰۱؛ ابراهیم رستنی، حدیث نوره، ص ۳۳-۳۲.

۳. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۹/۳.

۴. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

عصر(صلوات الله عليه) شديد. شما يك قدم اين بار را به منزل نزديك تر كرديد.»<sup>۱</sup>

□

• آيت الله خرازی مي گويد: «يكي از دوستان به نقل از عده‌اي از دوستان موثق فرمود: ما در حدود سال‌هاي ۴۲ و ۴۳ كه امام (ره) در تبعيد بودند، خدمت مرحوم آيت الله آقاي حاج شيخ عباس تهراني رسيديم و در مورد امام (ره) با ايشان صحبت كرديم. ايشان فرمودند: آيت الله خميني به وطن باز مي‌گردد و پيش از برگشتن، شاه را از مملكت بيرون مي‌كند و پس از برگشتن خود، حكومت اسلامي تشكيل مي‌دهد و بالاخره حكومت او به قيام حضرت مهدي (ارواحن فداه) متصل مي‌شود.»<sup>۲</sup>

• مرحوم حجت الاسلام محمد دشتي مي گويد: «در روزهاي بسيار سخت و اندوهباري كه حضرت امام خميني (ره) از عراق بيرون رفتند و كويت با اقامت امام موافقت نكرد و همه عاشقان نگران بودند كه امام به كجا مي‌رود و چرا يك ميليارد مسلمان آن چنان وابسته و خود فروخته‌اند كه قدرت پناه دادن به يك رهبر اسلامي را ندارند، يكي از علماي عارف و اهل بصيرت و مكاشفه به منزل قبلي امام خدمت آيت الله پسنديده (ره) برادر بزرگ امام آمد و فرمود: نگران نباشيد، آسوبي به آقاي خميني نمي‌رسد و ايشان وارد ايران شده، حكومت اسلامي تشكيل مي‌دهد و تا سال‌ها آن را شخصاً اداره مي‌فرمايد و پس از ايشان تا سال‌ها، ايرانيان حكومت اسلامي را تداوم مي‌دهند؛ آن گاه حضرت مهدي (عج) ظهور خواهند كرد.»<sup>۳</sup>

۱۴

• آقاي علي محمد بشارتي - وزير پيشين کشور - نقل مي‌كرد كه: در تابستان سال ۱۳۵۸، هنگامی كه مسؤول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتيم كه: آقاي ... در مشهد گفته است: «من بالاخره عليه امام اعلام جنگ مي‌كنم.»

من خدمت امام رسيدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را هم گفتم. ايشان سرش پايين بود و گوش مي‌داد، اين جمله را كه گفتم سر بلند كرد و فرمود:

«اينها چه مي‌گويند، پيروزي ما را خدا تضمين کرده است. ما موفق مي‌شويم، در اينجا

حكومت اسلامي تشكيل مي‌دهيم و پرچم را به صاحب پرچم مي‌سپاريم.»

۱. مقام معظم رهبري، ۱۳۵۹/۴/۱۶.

۲. آيت الله سيد محسن خرازی، روزنه‌هايي از عالم غيب، ص ۲۵۴.

۳. محمد دشتي، آينده و آينده سازان، ص ۱۰۵.



پرسیدم: خودتان؟

امام سکوت کردند و جواب ندادند.<sup>۱</sup>

• آیت‌الله سید احمد نجفی از قول پدر زن خود آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی، داستان ملاقات مرحوم امام راحل را با مرحوم آیت‌الله قاضی (استاد اخلاق و عرفان بزرگانی مانند علامه طباطبائی، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله بهجت) به طور مفصل نقل می‌کند و در قسمتی از آن اشاره‌ای دارد به این که مرحوم قاضی پس از مدتی سکوت طولانی، از یکی از شاگردان خود می‌خواهد که کتابی را از کتابخانه بردارد و آن را باز کند و بخواند. در آن کتاب شگفت که به اقرار آن شاگرد، پیش‌تر از آن در آن کتابخانه نبوده و بعدها هم هرگز دیده نشده، تمام حوادثی که در آینده بر امام راحل و کشور ایران خواهد گذشت، در قالب حکایتی آورده شده بود. در بخشی از آن حکایت چنین آمده است: «... این عالم [امام خمینی ره] به مملکت خود وارد شد و آن سلطان فرار کرد و در خارج از مملکت خود از دنیا رفت و زمام آن مملکت به دست آن عالم جلیل‌القدر افتاد و به تدریج به مدینه فاضله‌ای تبدیل شد و دیگر فساد تا ظهور حضرت بقیة‌الله به آن راه نخواهد یافت.»<sup>۲</sup>

• آقای عسکراولادی در خاطرات خود از امام راحل می‌گوید:

اسفندماه سال ۴۱ بود. آن شب ساعت ده و نیم، هر چند وقت ملاقات گذشته بود، اجازه فرمودند که به خدمتشان برسم. از تهران تا قم مرا تعقیب کرده بودند. مرا می‌گرفتند مهم نبود، نام و هویت چهل نفر از دوستان مبارزم در کشوی میزم بود. وانگهی، همسرم که بیمار بود، از من خبری نداشت.

حضرت امام (قده) از ماجرا که آگاه شدند، فرمودند: «عجب! پس شما نمی‌دانید ما به کجا می‌خواهیم برویم؟» مقداری از وجوهات را که پیش من بود، تقدیم کردم. چند تا نامه هم از دانشجویان داخل و خارج رسیده بود که چندتایش را من خواندم و چندتایش را هم خودشان خواندند.

بعد فرمودند: «ببینید! به رگم گله‌گزاری برخی از آقایان که می‌گویند مردم حاضر در صحنه نیستند، این جوانان ما را زرق و برق فرنگ نگرفته، این‌ها به فکر اسلام عزیز هستند...»

۱. محمدی ری‌شهری، *کیمیای محبت*، ص ۷۲.

۲. غلامطی رحانی، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)*، ص ۱۴۹-۱۴۷. در کتاب *دریای عرفان در احوالات آیت‌الله سید علی قاضی (ره)*، صفحه ۱۰۶، نیز به این داستان اشاره شده است.



باید این را به آقایان گفت.»

در باره تعدادی از نامه‌ها هم که از اداره‌های دولتی و ارتشی‌ها رسیده بود، فرمودند: «هر کدام از این‌ها را اگر بگیرند، بین سه تا ده سال محکوم می‌کنند. باید به آقایان گفت که مردم هستند و خطرپذیرند و مجاهده می‌کنند.»

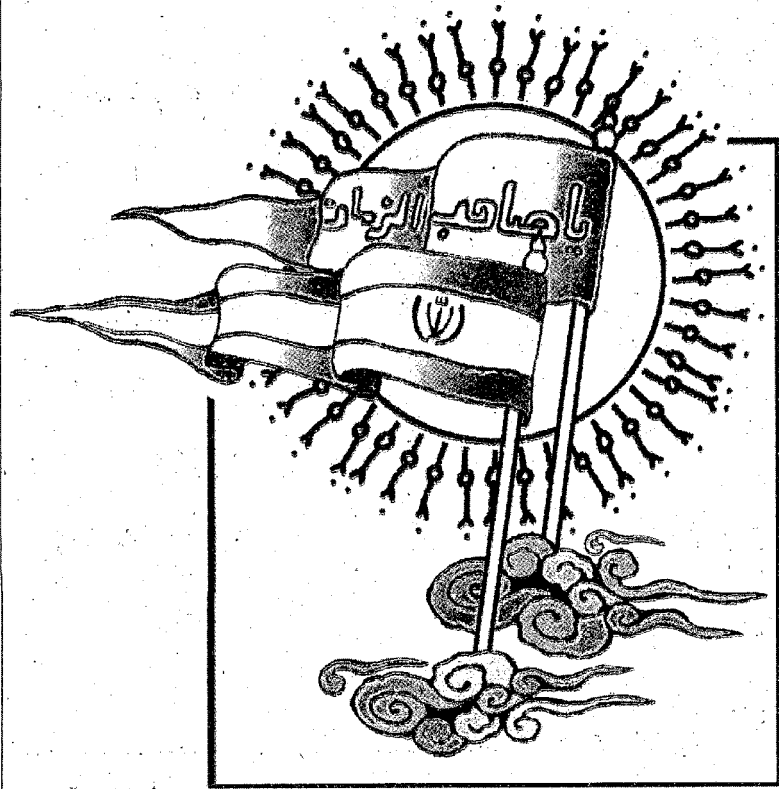
عرض کردم: «وقتی محمدرضای خائن از قم برگشت، دستور داد که برای شما کیفرخواست صادر کردند... این‌ها می‌خواهند شما را دستگیر کنند!»

فرمودند: «ثم ماذا... که چه؟» عرض کردم: «زبانم لال، ممکن است برای شما اعدام را در نظر بگیرند!»

فرمودند: «عجب! من فکر می‌کنم ده تا مثل من توی قم باید آماده شهادت باشیم تا ماسک از چهره کریه او کنار زده شود! شما از بابت من یکی ناراحت‌اید؟... اگر من را گرفتند، داد بزنید! اگر محاکمه کردند، فریاد بزنید! اگر خون من لایق شهادت باشد، بزرگ‌ترین سرمایه برای شماست. از سرمایه می‌ترسید؟» بعد در حالی که هیجان زده شده بودم، فرمودند: «از این جا که رفتید، به برادرانمان بگویید حداقل مبارزه ما سی سال است. هر کس می‌تواند بماند، و هر کس نمی‌تواند، در کناری باشد و وظایفی که می‌تواند، انجام دهد!» بعد فرمودند: «خیال نکنید که بعد از سی سال، ایران را اسلامی کرده‌ایم یا دنیای اسلام را نجات داده‌ایم. خیال نکنید که ما در ظرف سی سال همه‌مان زنده می‌مانیم... ممکن است که ما در درگیری با کفار بین‌المللی بکشیم و کشته شویم.» بعد از آن مکثی کردند و فرمودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: اول، اسلامی کردن ایران، دوم، اسلامی شدن کشورهای اسلامی، سوم، اسلامی شدن جهان. آن روز است که به مولا عرض می‌کنیم: مولا! جهان منتظر قدوم مبارک شماست.»

انجمن نور زمینه ساز ظهور

۱. بازنویسی بخشی از سخنرانی آقای عسکراولادی در مدرسه حقانی قم در تاریخ ۸۳/۱۱/۱۵ که به روایت ایشان رسید و مورد تأیید قرار گرفت. از اینها که بگذریم، چه بسا تصور شود که از پیشگویی‌های شاه نعمت‌الله ولی نیز می‌توان برای ادعای پیوستن این انقلاب به ظهور حضرت ولی عصر (عج) بهره گرفت. (ر.ک: **علائم ظهور**، ناظم الاسلام کرمانی، صص ۸۶-۹۴، مقاله ۵: **جهان در آستانه ظهور**، سید سلیمان تنکابنی، صص ۳۲-۴۵: **آینده و آینده سازان**، محمد دشتی، ص ۱۷۲) اما گذشته از اینکه این اشعار در طول چند قرن دست‌خوش تحریف و تصحیف و کسر و اضافه فراوان گردیده و به کلی مسخ شده است؛ زیرا برخی از فرق و احزاب بنا به امیال و اغراض خصوصی از دخیل و تصرف ناروا در قصیده مزبور خودداری نکرده‌اند، تا آن‌جا که باز شناختن ابیات اصلی و تشخیص صحیح از سقیم و سره از ناسره در این قصیده کاری بس دشوار است. (به نقل از **تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی**، دکتر حمید فرزام، سروش، ۱۳۷۴، ص ۳۷۵)، بنابراین کهن‌ترین نسخه در تطبیق آنها بر این انقلاب تردید جدی وجود دارد. (برای بررسی بیشتر ر.ک: همان، صص ۲۷۲-۲۸۲). گذشته از اشعار و پیشگویی‌های شاه نعمت‌الله ولی، برخی دیگر برای پیشگویی این انقلاب و ادامه آن تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) به اشعار سید احمد علی خسروی (متوفای ۱۲۸۱ هـ.ش) که به ادعای خودش با کمک علم جفر در اوائل حکومت محمد رضا پهلوی سروده و یا رباعی‌های خواجه نصیر طوسی و سلطان الغ بیگ توسل جستند. (ر.ک: **جهان در آستانه ظهور**، سید سلیمان تنکابنی، صص ۳۲-۳۵، ۲۹ و ۳۲) اما از آنجا که در آنها تصریح به سال ظهور شده و برای ظهور وقت خاصی معین شده است از آوردن آنها خودداری شد؛ زیرا این گونه اشعار مخالف روایاتی است که با صراحت دستور به تکذیب کسانی که برای ظهور تعیین وقت می‌کنند، داده است؛ کذب الوقائون. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)



انفجار نور، زمینہ ساز ظہور

پور سید آقا

**انقلاب ما** «انفجاری عظیم»<sup>۱</sup>، «اعجاز بزرگ قرن»<sup>۲</sup>، «مائده بزرگ آسمانی»<sup>۳</sup>، «نصرت اعجاز آمیز اسلام بر کفر»<sup>۴</sup>، «تحفه خدای تبارک و تعالی از عالم بالا»<sup>۵</sup> و «جرقه و بارقه الهی»<sup>۶</sup> است.

**انقلاب ما** «اسلامی»<sup>۷</sup>، «شکوه مند»<sup>۸</sup>، «بزرگ»<sup>۹</sup>، «بی نظیر»<sup>۱۰</sup>، «نمونه»<sup>۱۱</sup>، «منحصر به فرد»<sup>۱۲</sup>، «متکی به معنویات و خدا»<sup>۱۳</sup>، «بدون اتکا به شرق و غرب»<sup>۱۴</sup>، «الگویی برای ملت-های دربند»<sup>۱۵</sup> و «در اوج قله عزت و شرافت، مشعلدار هدایت نسل های تشنه»<sup>۱۶</sup> است.

**انقلاب ما** «انقلاب زاغه نشینان و حاشیه نشینان و محرومان»<sup>۱۷</sup>، «جوشنده از متن ملت»<sup>۱۸</sup>، «برخاسته از فطرت مردم»<sup>۱۹</sup>، «بهترین و بزرگ ترین انقلاب ها»<sup>۲۰</sup>، «با کم ترین ضایعه و بزرگ ترین دستاورد»<sup>۲۱</sup> و «ضربه ای بر پیکر جهان خواران بین المللی»<sup>۲۲</sup> است.

- 
۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۲.
  ۲. همان، ج ۱۴، ص ۷۷.
  ۳. همان، ج ۱۴، ص ۷۷.
  ۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۶.
  ۵. همان، ج ۶، ص ۲۳۰.
  ۶. همان، ج ۱۵، ص ۶۲.
  ۷. همان، ج ۱۱، ص ۵۲۱.
  ۸. همان، ج ۱۶، ص ۵۵.
  ۹. همان، ج ۱۱، ص ۲۲۳.
  ۱۰. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۵.
  ۱۱. همان، ج ۱۰، ص ۴۲۲.
  ۱۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۹.
  ۱۳. همان، ج ۱۵، ص ۳۰۷.
  ۱۴. همان، ج ۱۹، ص ۵۴.
  ۱۵. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۰.
  ۱۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۶.
  ۱۷. همان، ج ۱۷، ص ۴۲۵.
  ۱۸. همان، ج ۴، ص ۲۵۷.
  ۱۹. همان، ج ۵، ص ۸۱.
  ۲۰. همان، ج ۱۴، ص ۵۴.
  ۲۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۶.
  ۲۲. همان، ج ۹، ص ۲۳۹.

**انقلاب ما** «معجزه بزرگ و مصداقی از نصرت الهی»<sup>۱</sup>، «استثنایی»<sup>۲</sup>، «مترقی‌ترین»<sup>۳</sup>، «شکونده حریم دروغین قدرت‌ها و قلدرها»<sup>۴</sup>، «عامل خود باروی»<sup>۵</sup>، «و شخصیت و عزت ملت ایران»<sup>۶</sup>، «منشاء تحول عظیم در دنیا»<sup>۷</sup> و «زننده کننده دنیای اسلام»<sup>۸</sup> است.

**انقلاب ما** «چشم امید میلیون‌ها مسلمان و غیرمسلمان»<sup>۹</sup>، «آغازگر حاکمیت ارزش‌های معنوی»<sup>۱۰</sup>، «باعث افتخار مسلمانان»<sup>۱۱</sup>، «با خدمات غیر قابل احصاء»<sup>۱۲</sup> و «عامل هویت ما»<sup>۱۳</sup> است.

**انقلاب ما** «متکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی»<sup>۱۴</sup>، «توجه دهنده دل‌های مردم به خدا»<sup>۱۵</sup>، «محصول قرن‌ها تلاش مخلصانه علمای شیعی و حضورشان در صحنه‌های حساس»<sup>۱۶</sup> و «دستاورد خون شهیدان»<sup>۱۷</sup> است.

**انقلاب ما**، بارش رحمت خاصه الهی در فصل عطشناک تاریخ و فروغ خورشید مهدوی در عصر انجماد و فسردن است.

**انقلاب ما**، طلایه‌دار عصری است که به نام خدا شکل گرفته است و بنیاد همه مکتب‌ها و ایسم‌های غیر الهی را، از اومانیسیم گرفته تا سکولاریسم و لیبرالیسم، درهم ریخته است.

**انقلاب ما**، همه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان را به چالش کشیده است و آغازگر گفتمانی جدید در عرصه فرهنگ و سیاست است.

۱. فرمایشات مقام معظم رهبری، ۸۲/۸/۲۸.

۲. همان، ۶۸/۱۱/۲۰.

۳. همان، ۶۸/۱۱/۱۲.

۴. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۵. همان، ۸۲/۱۱/۲۴.

۶. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۷. همان، ۶۸/۱۱/۱۹.

۸. همان، ۸۲/۱۱/۲۴.

۹. همان، ۶۸/۱۱/۱۲.

۱۰. همان، ۶۹/۱۱/۱۷.

۱۱. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۱۲. همان، ۶۹/۱۱/۱۹.

۱۳. همان، ۸۲/۵/۲۷.

۱۴. همان، ۸۲/۷/۲۲.

۱۵. همان، ۸۲/۹/۵.

۱۶. همان، ۸۲/۹/۲۵.

۱۷. همان، ۶۹/۱۱/۱۸.

**انقلاب ما**، زنگ بیدارباشی است برای تحول بزرگی که جهان، قرن‌ها در انتظار تحقق آن است؛ تحول بزرگی که به حاکمیت کفر و استکبار پایان می‌دهد و بساط ظلم و بی‌عدالتی را از پهنه گیتی برمی‌چیند.

**انقلاب ما** با تکیه بر عنصر رهبری، نایب امام زمان (عج)، در میان نظام‌های شبرق و غرب، جبهه دیگری را گشوده و راه سوم و الگوی جدیدی را فراروی انسان معاصر نهاده است. **انقلاب ما** به گفته معمار کبیر انقلاب، امام راحل و برخی شنیده‌های موثق، از الطاف امام عصر (عج) است:

«این من نبودم که به واسطه من پیروزی را به دست آوردید. خدای تبارک و تعالی در سایه امام زمان (سلام الله علیه) ما را پیروز کرد... چه شد که پس از مدت کمی این تحول پیدا شد؟ سابق همه چیز ما را می‌بردند و ما نفس نمی‌کشیدیم. سابق جوان‌های ما را در زندان زجر می‌دادند و اعدام می‌کردند و ما قدرت حرکت نداشتیم. سابق چپاولگران همه چیز ما را چپاول می‌کردند و ما نفس نمی‌کشیدیم. چه شد که این ملت همچو متحول شد؟ جز عنایت خدا چه بود؟! ... این دست غیبی بود که این تحول را پیش آورد.»<sup>۱</sup>

«این حقیقتی است که باید اعتراف کرد قلعه محکمی بود که احتمال فتح آن نمی‌شد. ملت با نداشتن هیچ ابزار و سلاح در مملکت، بر ابر قدرت‌ها و ابر قدرت شیطنی که تا دندان مسلح بودند غلبه کرد. ولکن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کردم. این خدای تبارک و تعالی بوده... یک کشور سی و چند میلیونی با این اختلاف گروه‌ها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور، آن‌ها همه مجتمع شدند و همه با هم دست به دست هم دادند و یک مطلب را خواستند؛ این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است. خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان سلام الله علیه [این تحول را در زندگی مردم پدید آورد].»<sup>۲</sup>



مرحوم حجت‌الاسلام سید محمد کوثری (ره) نقل می‌نماید: یک روز من در منزل آقای آیت‌الله فاضل لنکرانی، از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضلاء مشهد آن‌جا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این چه فرمایش‌هایی

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۹.  
 ۲. همان، ج ۷، صص ۵۴ و ۵۵.



است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ یک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند. سختم را تکرار کردم. امام برآشفتنند و فرمودند: فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیة‌الله صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرماید؟! شاه باید برود. و همان هم شد و شاه از مملکت بیرون رفت. می‌بینم که ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیة‌الله (عج) داشتند.<sup>۱</sup>

□

۲۲ بهمن ۵۷ یوم‌الله بود. واقعا ما در معرض کشته شدن بودیم. فقط ندای ولی عصر (عج) به داد ما رسید. فردی که الان زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی. (خدمت امام امت) گفت: حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: در خانه نمانید. اگر ماندید، کشته می‌شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمانید. آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می‌کنند. این‌ها عصبانی هستند، آخر کارشان است. امام فرمود: باید بیرون بریزند. ایشان (آقای طالقانی) خیلی اصرار کرد. امام فرمود: اگر پیام از جای دیگری باشد، باز [بر] سر حرف خود ایستاده‌اید؟ (آقای طالقانی) گفت: چشم، تسلیم هستیم. لذا ۲۲ بهمن یوم‌الله است.<sup>۲</sup>

**انقلاب ما، هم‌چنان که از الطاف امام عصر (عج) است، به شهادت دستاوردهای عظیم آن و این که آفتاب آمد دلیل آفتاب، زمینه‌ساز حکومت آن حضرت و متصل به قیام او نیز خواهد بود. ان‌شاءالله. علاوه بر آنچه که ما خود شاهد آنیم، برخی از روایات و سخنان امام راحل و مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان نیز، گواه این حقیقت روشن است:**

□

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

۱. پا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۷۱.

۲. درس تفسیر قرآن، آیت‌الله خزعلی، مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳.

۳. آقای مرتضایی‌فرد نقل می‌کند: «روز ۲۲ بهمن که امام اذن دادند مردم در خیابان‌ها بریزند، چون ما حکومت نظامی نداریم، این جریان را به مرحوم آیت‌الله طالقانی اطلاع دادند. در آن‌جا من در خدمت ایشان بودم. آیت‌الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت نیم تا یک‌ساعت با امام صحبت کرد. برادران بیرون از اتاق بودند، فقط می‌دیدند که آیت‌الله طالقانی مرتب به امام عرض می‌کند: آقا، شما ایران نبودید، این نظام پلید است، به صغیر و کبیر ما رحم نمی‌کند، شما حکمتان را پس بگیرید. برادران یک وقت متوجه شدند که آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشته و به حالت تأثر در گوشه اتاق نشست. بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند و با این تصور که احوالاً امام به ایشان تندی کرده‌اند، گفتند: آقا، چرا شما دخالت می‌کنید؟! و از این قبیل حرف‌ها و با اصرار از آیت‌الله طالقانی جریان را سؤال کردند. ایشان گفتند: هر چه به امام عرض کردم حرف مرا رد کردند و وقتی دیدند من قانع نمی‌شوم فرمودند: آقای طالقانی، شاید این حکم از طرف امام زمان (عج) باشد. این را که از امام شنیدم دست من لرزید و با امام خداحافظی کردم. زیرا دیگر قادر نبودم سخنی بگویم.» **برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)**، ج ۳، ص ۱۵۸.

«يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»<sup>۱</sup>.

مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حرکت جهانی مهدی [عج] فراهم می‌سازند.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

كَانِي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ  
فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى  
يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ  
لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.<sup>۲</sup>

گویا می‌بینم مردمی در شرق قیام کرده، حق را طلب می‌کنند، ولی به آنان نمی‌دهند. دوباره حق را می‌طلبند، به آنان داده نمی‌شود. وقتی اوضاع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌ها می‌گذارند، پس آن‌گاه حاضر می‌شوند که حق آنان را بدهند، اما آنان دیگر قبول نمی‌کنند تا این‌که قیام می‌کنند و [حکومت تشکیل می‌دهند و] آن [حکومت] را جز به صاحب شما [امام زمان (عج)] تحویل نمی‌دهند. کشته‌های آنها شهید به شمار می‌روند. آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر نگاه می‌دارم.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

سَتَخْلُو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا. ثُمَّ  
يُظْهِرُ الْعِلْمُ بَبْلَدَةَ يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي  
الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ  
قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ  
بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ، فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ  
وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغِ إِلَيْهِ  
الدِّينَ وَالْعِلْمَ، ثُمَّ يُظْهِرُ الْقَائِمُ (عج).<sup>۳</sup>

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود، و علم از آن می‌گریزد و پنهان می‌شود.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۸؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴.

۲. کتاب الغیبه، ص ۱۴۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

آن گونه که مار در سوراخش پنهان می‌گردد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر می‌گردد و شهر قم کانون علم و فضل می‌شود، و چنان دنیا را به حقایق آشنا می‌سازد که در روی زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان در پرده، و چنین زمانی نزدیک ظهور قائم آل محمد (ص) است. سپس خداوند قم و اهل آن را قائم مقام حجت خدا قرار می‌دهد، که اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو می‌برد و حجتی باقی نمی‌ماند. آن گاه علم (علوم اسلامی) از قم به تمام دنیا می‌رسد و مشرق و مغرب عالم را فرا می‌گیرد و حجت خدا بر خلق تمام می‌گردد، زیرا در تمام روی کره زمین کسی باقی نمی‌ماند که دین و علم به او ابلاغ نشده باشد. آن گاه امام زمان (ع) ظاهر می‌شود.

□

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»<sup>۱</sup>

«امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله (ارواحنا له الفداء) باشد.»<sup>۲</sup>

۱۱ «ان شاء الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم... و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر (ارواحنا له الفداء).»<sup>۳</sup>

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله (ارواحنا لمقدمه الفداء) منتهی شود.»<sup>۴</sup>

«دست عنایت خدای تبارک و تعالی بر سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علایم ظهور بقیة الله (ارواحنا فداه) است.»<sup>۵</sup>

«من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر (عج) است.»<sup>۶</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷، تاریخ ۶۸/۱/۲

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۴. همان، ص ۶۲.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۶. همان، ص ۱۳۲.

«ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران، خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان (ارواحنا فداه) هموار می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

«همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.»<sup>۲</sup>

«با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان (سلام الله علیه) این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید.»<sup>۳</sup>

«خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی [جمهوری اسلامی] را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود (ارواحنا لمقدمه الفداء) رد کنیم.»<sup>۴</sup>

«ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان.»<sup>۵</sup>

«سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند.»<sup>۶</sup>

«من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اوّل قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم.»<sup>۷</sup>

«بار الها! ... عاجزانه از مقام مقدس تو می‌خواهیم... ملت عزیز ایران را در پیشبرد

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۳۳۰، تاریخ ۶۰/۲/۱۰.

۴. همان، ج ۱۸، ص ۴۷۲، تاریخ ۶۳/۳/۷.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۴۸۰، تاریخ ۶۲/۳/۱۵.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۵، تاریخ ۶۸/۱/۲.

۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۰، تاریخ ۶۰/۹/۳.

جمهوری اسلامی و سرکوب منحرفان و مخالفان با اسلام و پیروان آن مصمم‌تر فرمایی، تا این انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی موعود (ارواحنا فداه) ادامه دهند.<sup>۱</sup>

روز نوزدهم بهمن ۵۷، انبوهی از بچه‌های نیروی هوایی با هماهنگی قبلی در خیابان ایران جمع شدند و لباس‌های نظامی خود را که درون ساک‌هایشان بود، به مدرسه رفاه بردند و آنها را پوشیدند تا با لباس فرم نظامی به دیدار امام برسند. در این هنگام شخصی خودش را به من معرفی کرد و اصرار کرد که از مراسم عکس بگیرد. ما هم موافقت کردیم مشروط بر آن که از پشت سر نیروها عکس بگیرد. پس از آمادگی افراد، امام از پنجره مدرسه ظاهر شد و عده‌ای اشک می‌ریختند، عده‌ای صلوات فرستادند که ناگهان برادر نورشاهی، فرمان از جلو نظام و خبردار داد که همه یک‌صدا فریاد زدند:

ما همه سرباز توایم خمینی      گوش به فرمان توایم خمینی

عکس تاریخی هم در همان لحظه گرفته شد که همان روز در روزنامه کیهان چاپ شد و رژیم را به دست‌پاچگی واداشت.

امام در آن روز فرمود: «درود بر شما سربازان امام عصر (سلام‌الله‌علیه) ... از امروز در خدمت امام عصر (عجل‌الله‌فرجه) و در خدمت قرآن کریم هستید...»<sup>۲</sup>

□

«ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.»<sup>۳</sup>

«اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد مهدی موعود (ارواحنا فداه و عجل‌الله‌فرجه) به وسیله ملت ایران برداشته شده است.»<sup>۴</sup>

«انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان (عج) برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [ است ]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم یقیناً ظهور ولی عصر (صلوات‌الله‌علیه و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی

۱. همان، ج ۱۷، ص ۴۸۴.

۲. همان، ج ۶ ص ۱۰۱؛ ابراهیم رستمی، حدیث نور، ص ۳۳-۳۴.

۳. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۹/۳.

۴. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

عصر (صلوات الله علیه) شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیک تر کردید.»<sup>۱</sup>

□

• آیت الله خرازی می گوید: «یکی از دوستان به نقل از عده‌ای از دوستان موثقش فرمود: ما در حدود سال‌های ۴۲ و ۴۳ که امام (ره) در تبعید بودند، خدمت مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عباس تهرانی رسیدیم و در مورد امام (ره) با ایشان صحبت کردیم. ایشان فرمودند: آیت الله خمینی به وطن باز می‌گردد و پیش از برگشتن، شاه را از مملکت بیرون می‌کند و پس از برگشتن خود، حکومت اسلامی تشکیل می‌دهد و بالاخره حکومت او به قیام حضرت مهدی (ارواحنا فداه) متصل می‌شود.»<sup>۲</sup>

• مرحوم حجت الاسلام محمد دشتی می‌گوید: «در روزهای بسیار سخت و اندوهباری که حضرت امام خمینی (ره) از عراق بیرون رفتند و کویت با اقامت امام موافقت نکرد و همه عاشقان نگران بودند که امام به کجا می‌رود و چرا یک میلیارد مسلمان آن چنان وابسته و خود فروخته‌اند که قدرت پناه دادن به یک رهبر اسلامی را ندارند، یکی از علمای عارف و اهل بصیرت و مکاشفه به منزل قبلی امام خدمت آیت الله پسندیده (ره) برادر بزرگ امام آمد و فرمود: نگران نباشید، آسیبی به آقای خمینی نمی‌رسد و ایشان وارد ایران شده، حکومت اسلامی تشکیل می‌دهد و تا سال‌ها آن را شخصاً اداره می‌فرماید و پس از ایشان تا سال‌ها، ایرانیان حکومت اسلامی را تداوم می‌دهند؛ آن‌گاه حضرت مهدی (عج) ظهور خواهند کرد.»<sup>۳</sup>

۱۴

• آقای علی محمد بشارتی - وزیر پیشین کشور - نقل می‌کرد که: در تابستان سال ۱۳۵۸، هنگامی که مسؤول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که: آقای ... در مشهد گفته است: «من بالاخره علیه امام اعلام جنگ می‌کنم.»

من خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می‌داد، این جمله را که گفتم سر بلند کرد و فرمود:

«اینها چه می‌گویند، پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم، در اینجا

حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم.»

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۴/۶.

۲. آیت الله سید محسن خرازی، روزنه‌هایی از عالم غیب، ص ۲۵۴.

۳. محمد دشتی، آینده و آینده سازان، ص ۱۰۵.



پرسیدم: خودتان؟

امام سکوت کردند و جواب ندادند.<sup>۱</sup>

• آیت‌الله سید احمد نجفی از قول پدر زن خود آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی، داستان ملاقات مرحوم امام راحل را با مرحوم آیت‌الله قاضی (استاد اخلاق و عرفان بزرگانی مانند علامه طباطبائی، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله بهجت) به طور مفصل نقل می‌کند و در قسمتی از آن اشاره‌ای دارد به این که مرحوم قاضی پس از مدتی سکوت طولانی، از یکی از شاگردان خود می‌خواهد که کتابی را از کتابخانه بردارد و آن را باز کند و بخواند. در آن کتاب شگفت که به اقرار آن شاگرد، پیش‌تر از آن در آن کتابخانه نبوده و بعدها هم هرگز دیده نشده، تمام حوادثی که در آینده بر امام راحل و کشور ایران خواهد گذشت، در قالب حکایتی آورده شده بود. در بخشی از آن حکایت چنین آمده است: «... این عالم [امام خمینی ره] به مملکت خود وارد شد و آن سلطان فرار کرد و در خارج از مملکت خود از دنیا رفت و زمام آن مملکت به دست آن عالم جلیل‌القدر افتاد و به تدریج به مدینه فاضله‌ای تبدیل شد و دیگر فساد تا ظهور حضرت بقیة‌الله به آن راه نخواهد یافت.»<sup>۲</sup>

• آقای عسکراولادی در خاطرات خود از امام راحل می‌گوید:

اسفندماه سال ۴۱ بود. آن شب ساعت ده و نیم، هر چند وقت ملاقات گذشته بود، اجازه فرمودند که به خدمتشان برسم. از تهران تا قم مرا تعقیب کرده بودند. مرا می‌گرفتند مهم نبود، نام و هویت چهل نفر از دوستان مبارزم در کشوی میزم بود. وانگهی، همسرم که بیمار بود، از من خبری نداشت.

حضرت امام (قده) از ماجرا که آگاه شدند، فرمودند: «عجب! پس شما نمی‌دانید ما به کجا می‌خواهیم برویم؟» مقداری از وجوهات را که پیش من بود، تقدیم کردم. چند تا نامه هم از دانشجویان داخل و خارج رسیده بود که چندتایش را من خواندم و چندتایش را هم خودشان خواندند.

بعد فرمودند: «ببینید! به رگم گله‌گزاری برخی از آقایان که می‌گویند مردم حاضر در صحنه نیستند، این جوانان ما را زرق و برق فرنگ نگرفته، این‌ها به فکر اسلام عزیز هستند...»

۱. محمدی ری‌شهری، *کیمیای محبت*، ص ۷۲.

۲. غلامعلی رجائی، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)*، ص ۱۴۹-۱۴۷. در کتاب *دریای عرفان در احوالات آیت‌الله سید علی قاضی (ره)*، صفحه ۱۰۶، نیز به این داستان اشاره شده است.

باید این را به آقایان گفت.»

در باره تعدادی از نامه‌ها هم که از اداره‌های دولتی و ارتشی‌ها رسیده بود، فرمودند: «هر کدام از این‌ها را اگر بگیرند، بین سه تا ده سال محکوم می‌کنند. باید به آقایان گفت که مردم هستند و خطرپذیرند و مجاهده می‌کنند.»

عرض کردم: «وقتی محمدرضای خائن از قم برگشت، دستور داد که برای شما کیفرخواست صادر کردند... این‌ها می‌خواهند شما را دستگیر کنند!»

فرمودند: «ثم ماذا... که چه؟» عرض کردم: «زبانم لال، ممکن است برای شما اعدام را در نظر بگیرند!»

فرمودند: «عجب! من فکر می‌کنم ده تا مثل من توی قم باید آماده شهادت باشیم تا ماسک از چهره کریه او کنار زده شود! شما از بابت من یکی ناراحت‌اید؟ ... اگر من را گرفتند، داد بزنید! اگر محاکمه کردند، فریاد بزنید! اگر خون من لایق شهادت باشد، بزرگ‌ترین سرمایه برای شماست. از سرمایه می‌ترسید؟» بعد در حالی که هیجان زده شده بودم، فرمودند: «از این جا که رفتید، به برادرانمان بگویید حداقل مبارزه ما سی سال است. هر کس می‌تواند بماند، و هر کس نمی‌تواند، در کناری باشد و وظایفی که می‌تواند، انجام دهد!» بعد فرمودند: «خیال نکنید که بعد از سی سال، ایران را اسلامی کرده‌ایم یا دنیای اسلام را نجات داده‌ایم. خیال نکنید که ما در ظرف سی سال همه‌مان زنده می‌مانیم... ممکن است که ما در درگیری با کفار بین‌المللی بکشیم و کشته شویم.» بعد از آن مکثی کردند و فرمودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: اول، اسلامی کردن ایران، دوم، اسلامی شدن کشورهای اسلامی، سوم، اسلامی شدن جهان. آن روز است که به مولا عرض می‌کنیم: مولا! جهان منتظر قدوم مبارک شماست.»

۱. بازنویسی بخشی از سخنرانی آقای عسکراولادی در مدرسه حقانی قم در تاریخ ۸۳/۱۱/۱۵ که به روایت ایشان رسید و مورد تأیید قرار گرفت. از اینها که بگذریم، چه بسا تصور شود که از پیشگویی‌های شاه نعمت‌الله ولی نیز می‌توان برای ادعای پیوستن این انقلاب به ظهور حضرت ولی عصر (عج) بهره گرفت. (ر.ک: علائم ظهور، ناظم الاسلام کرمانی، صص ۸۶-۹۴، مقاله ۵: جهان در آستانه ظهور، سید سلیمان تنکابنی، صص ۳۲-۴۵؛ آینده و آینده سازان، محمد دشتی، ص ۱۷۲) اما گذشته از اینکه این اشعار در طول چند قرن دست‌خوش تحریف و تصحیف و کسر و اضافه فراوان گردیده و به کلی مسخ شده است؛ زیرا برخی از فرق و احزاب بنا به امیال و اغراض خصوصی از دخیل و تصرف ناروا در قصیده مزبور خودداری نکرده‌اند، تا آن‌جا که باز شناختن ابیات اصلی و تشخیص صحیح از سقیم و سره از ناسره در این قصیده کاری بس دشوار است. (به نقل از تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت‌الله ولی، دکتر حمید فرزام، سروش، ۱۳۷۴، ص ۳۷۵)، بنابراین کهن‌ترین نسخه در تطبیق آنها بر این انقلاب تردید جدی وجود دارد. (برای بررسی بیشتر ر.ک: همان، صص ۳۷۲-۳۸۲). گذشته از اشعار و پیشگویی‌های شاه نعمت‌الله ولی، برخی دیگر برای پیشگویی این انقلاب و ادامه آن تا ظهور حضرت ولی عصر (عج) به اشعار سید احمد علی خسروی (متوفای ۱۳۸۱ هـ.ش) که به ادعای خودش با کمک علم جفر در اوائل حکومت محمد رضا پهلوی سروده و یا رباعی‌های خواجه نصیر طوسی و سلطان الغ بیگ توسل جستند. (ر.ک: جهان در آستانه ظهور، سید سلیمان تنکابنی، صص ۳۲-۳۵، ۲۹ و ۳۲) اما از آنجا که در آنها تصریح به سال ظهور شده و برای ظهور وقت خاصی معین شده است از آوردن آنها خودداری شد؛ زیرا این گونه اشعار مخالف روایاتی است که با صراحت دستور به تکذیب کسانی که برای ظهور تعیین وقت می‌کنند، داده است؛ کذب الوقاتون. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)